

گزارش «وطن امروز»
از چشم‌انداز تحولات منطقه خاورمیانه
و تأثیر آن بر بازار نفت

تنش و جهش



پنجشنبه ۱۳۲۲ خرداد ۱۴ | جمادالائی ۱۴۴۶ | ۱۷ دسامبر ۲۰۲۴ | سال هفدهم | شماره ۲۴۰۲ | صفحه ۸ | ۵۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

پیشنهادهای پنجگانه به مدیر جدید «اوج»

افق انسان ایرانی را دریابید



صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4203 | THU.DEC.12, 2024 | ISSN:2008-2886

۱۶۰ سال و ۹۱ روز گذشت

تیتربهای امروز

گروه‌های تروریستی حاکم بر سوریه
موجی از اعدام‌های خیابانی را به راه انداخته‌اند

امارت

وحشت

چهره‌های کلیدی تحریرالنظام سابقه سیاهی
در کشتار اقلیت‌های دینی سوریه دارند



صفحه ۷

«وطن امروز» از عوامل مؤثر بر ترک تحصیل
دانش آموزان گزارش می‌دهد

تحصیل تعطیل!

صفحه ۲

هاآر تن: نتانیاهو از تصویرسازی مضحک پیروزی
برای خود دست بردارد

ماجرای جویبی گران در دمشق

صفحه ۷

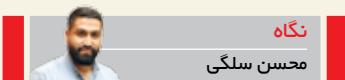
۲۹۹ ضمیمه طنز را در

داستان یک نقاشی از لیبی تا سوریه

رنگش کردن

تهدید و امید در بیانات رهبر انقلاب

سقوط آمریکا



نگاه

محسن سلگی

انگاره‌ها، قدرتمند و قدرتمند ساز هستند و زندگی ما را اداره کرده و تغییر می‌دهند. انگاره را نمی‌توان به واژه تقلبی داد. در انگاره یک استعاره مقابل چشم گذاشته می‌شود و کارکرد اقناعی سخن به این سان، افزون می‌شود. انگاره را معادل **ایماژ** یا **image** و **bild** در آلمانی که همزمان معنی تصویر و ساختن می‌دهد، گرفته‌اند. در زبان روسی **izobrazheniye** (ایزار) هم گفته می‌شود که به نوعی عینک و دوربین یا ابزار دیدن چیزها هم معنا می‌شود. به نوعی می‌تواند مشاهده یا **observation** را ممکن کرده و عمق و ارتقا بخشد.

«شیطان بزرگ» از جمله انگاره‌های قدرتمند برای تصویرسازی از آمریکا بود که توسط امام خمینی(ره) مطرح شد و کارکرد جهانی یافت. رهبر حکیم انقلاب اسلامی روز گذشته در دیدار مردمی، درباره تحولات سوریه از یک انگاره برای نخستین‌بار رونمایی کردند. ایشان که در عالم سیاست همواره در انگاره‌سازی دست برتر را داشته‌اند، «انگاره مبیب نامنی» را برای داعش وضع کردند. این انگاره و انفجار احتمالی مبیب داعش، سقوط انگاره آمریکا در منطقه را تسریع خواهد کرد، چرا که این بار بشار اسدی در کار نیست تا مخالفان مقاومت اسلامی، داعش را محصول حفظ بشار اسد توسط ایران و عقیم گذاشتن برنامه ارتش آزاد القا کنند.

قابل یادآوری است که ساخت و تعبیه مبیب داعش در غرب آسیا توسط صهیونیسم بین‌الملل انجام شده است. این مبیب امروز در سوریه و عراق خاموش و بی‌صدا یا کم‌صدا است اما درست متناسب با این کم‌صدایی و صدای تیک‌تاک آن، انگاره رهبر انقلاب از آن به عنوان مبیب آن هم ناظر به مسائل سوریه، از ساعتی بودن آن نیز خبر می‌دهد. هشدار می‌دهد که منطقه ایستن حوادث تجزیه‌طلبانه و خشونت‌بار بی‌سابقه و دقیق‌تر بگوییم بی‌نظیری است که از روزهای جولان داعش هم ممکن است فراتر برود.

مبیب نامنی، آن نکته‌ای در بیانات رهبر انقلاب بود که باید مورد توجه قرار گیرد، تنها با نگاهی نشانه‌شناسانه (**simiotic**) است که می‌توان امر به ظاهر جزئی را در مقام کلیت و امر کلی نشانند.

فریدریش نیچه، فیلسوف مشهور آلمانی، حقیقت را در کوتاه‌ترین سایه در نیمروز جستجو می‌کرد و می‌گفت: «خاموش‌ترین کلمات توفان می‌زیانند».

ادامه در صفحه ۸

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از قشرهای مردم با تأکید بر آمریکایی - صهیونیستی بودن رخدادهای سوریه:

نقشه‌کش‌های حوادث

اخیر سوریه هیچ‌یک به

اهداف خود نمی‌رسند

بدون شک مناطق تصرف‌شده سوریه

به دست جوانان غیور سوری آزاد خواهد شد

آمریکا به توفیق الهی به دست جبهه مقاومت از منطقه اخراج خواهد شد

صفحه ۲

مهم‌ترین دلایل عدم ورود نظامی ایران به سوریه و سقوط اسد

از ایران درخواست کمک کردند و بر همین اساس، ایران در این کشورها نقش مستشاری ایفا کرد. اگر در وقایع اخیر، چنین درخواستی از سوی دولت سوریه صورت نگرفته باشد، حضور مستقیم نیروهای ایرانی امکان‌پذیر نیست. رهبر انقلاب تصریح کردند: «اگر درخواستی نکنند، راه بسته است و امکان کمک نخواهد بود».

۲- محاصره زمینی و هوایی توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی

رهبر انقلاب به روشنی اشاره کردند در شرایط کنونی، رژیم صهیونیستی و آمریکا با مسدود کردن مسیرهای زمینی و هوایی، امکان ارسال تجهیزات و کمک‌ها را به سوریه محدود کرده‌اند. این نکته نشان می‌دهد که حتی اگر ایران قصد کمک و ارسال نیرو داشت، با موانع و چالش لجستیکی و عملیاتی در ارسال نیرو و تجهیزات مردم و جوانان سوری ارائه کردند. دوم، ایشان به جای خود تأکید کردند.

اهمیت این سخنان در چند محور اصلی قابل بررسی است. نخست، رهبر انقلاب با اشاره به تجربه موفق جوانان عراقی در اخراج نیروهای آمریکایی، انگوی روشن برای مردم و جوانان سوری ارائه کردند. دوم، ایشان به جای اعتقادی است، نه یک ابزار یا سازه فیزیکی که بتوان آن را با فشار از بین برد. بر اساس سخنان ایشان، فشارها و تهدیدها نه‌تنها مقاومت را تضعیف نمی‌کنند، بلکه آن را قوی‌تر و گسترده‌تر می‌سازد. هر چند پرداخت به همه وجوه و محورهای فرمایشات بسیار مهم و راهبردی ایشان در یک یادداشت میسر نیست اما در ادامه خوانشی خواهیم داشت از اشارات معظم‌له بر چرایی عدم ورود نظامی مستقیم ایران به سوریه و سقوط اسد.

۱- اولویت نقش مستشاری به جای حضور مستقیم نظامی

رهبر انقلاب تأکید کردند که نوع حضور ایران در سوریه و عراق از همان ابتدا یک حضور مستشاری بوده است. حضور مستشاری به این معناست که ایران به جای اعزام نیروهای نظامی برای جنگیدن در میدان، از طریق تشکیل قرارگاه‌های مرکزی، تعیین راهبردها، تاکتیک‌ها و سازماندهی نیروهای بومی (سوری و عراقی) اقدام کرده است. بنابراین ایران از ابتدا نیز نیروی نظامی رسمی به سوریه اعزام نکرده که اکنون بخواهد آن را افزایش دهد حتی در گذشته نیز این حضور به درخواست دولت سوریه بوده است.

۲- رویکرد هم‌راهی با درخواست دولت‌های محلی بر اساس بیانات رهبر انقلاب، حضور ایران در هر کشور به دعوت رسمی دولت‌های آن کشورها بستگی دارد. در گذشته، دولت‌های سوریه و عراق به طور رسمی از آن صرف‌نظر کردند، متأسفانه».

این بخش از بیانات نشان می‌دهد ارتش سوریه تصمیم به انحلال نیروی مقاومت گرفت و این تصمیم به نوعی از دست دادن یک اهرم مهم در دفاع مردمی در برابر تهدیدات منطقه‌ای بود. از دید رهبر انقلاب، این تصمیم به تضعیف جبهه مقاومت در سوریه انجامید، زیرا این نیروهای توانستند نقش بسیار مهمی در جلوگیری از بروز بحران‌های بعدی داشته باشند.

۵- هشدارهای اطلاعاتی ایران به سوریه و عدم توجه دمشق

رهبر انقلاب صریحاً اشاره کردند که دستگاه‌های اطلاعاتی ایران از چند ماه قبل (از شهر یوز) گزارش‌های هشداردهنده‌ای را به مسؤولان سوریه منتقل کرده بودند. این گزارش‌ها، تهدید قریب‌الوقوع یک نقشه آمریکایی - صهیونیستی برای سوریه را گوشزد کرده بود. رهبر انقلاب فرمودند: «ما به اینها کمک هم کرده بودیم. دستگاه اطلاعاتی ما از چند ماه قبل گزارش‌های هشداردهنده‌ای را به مسؤولان سوریه منتقل کرده بود، من نمی‌دانم البته آیا این دست آن مقامات بالا رسیده بود یا نه، همان وسط‌ها هم و گور شده بود ولی مسؤولان اطلاعاتی ما به اینها گفته بودند از شهر بوره، مهر، آبان، پشت سر هم گزارش داده بودند».

این فراز نشان می‌دهد که ایران از قبل از وقوع بحران‌های اخیر در سوریه، این بحران‌ها را پیش‌بینی کرده بود و نسبت به آن هشدار داده بود اما به دلیل عدم توجه یا نرسیدن این اطلاعات به مقامات ارشد سوریه، اقدامات پیشگیرانه لازم از سوی سوریه صورت نگرفت.

۶- ارتباط هشدارها با ضعف ارتش سوریه

رهبر انقلاب یکی از پیامدهای مهم بی‌توجهی به هشدارهای اطلاعاتی ایران را ضعف ارتش سوریه در ایستادگی و مقاومت در برابر تهاجم دشمن عنوان کردند. ایشان اشاره کردند که اگر ارتش یک کشور قوی و پایدار باشد، نیازی به حضور گسترده نیروهای خارجی نیست اما در این مورد، ضعف در روحیه مقاومت ارتش سوریه و عدم آماده‌سازی نیروهای داخلی، باعث شد دشمن بتواند به مناطق مختلف سوریه نفوذ کند. رهبر انقلاب فرمودند: «وقتی روح ایستادگی و مقاومت کم بشود می‌شود این. این مصیبت‌هایی که امروز بر سر سوریه دارد می‌آید که خدا می‌داند تا کی ادامه پیدا کند، تا کی جوان‌های سوریه آن‌شالله بیایند در میدان و جوشی را بگیرند، این بر اثر همان ضعف‌هایی است که آنجا نشان داده شد».

نتیجه عدم توجه به هشدارهای ایران، کاهش روحیه مقاومت و آمادگی ارتش سوریه بود که به دشمن اجازه داد تا در مناطق کلیدی نفوذ کند و حتی مسیرهای

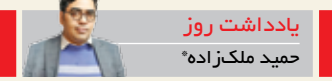
لجستیکی را مسدود کند. این مساله باعث شد امکان ارسال نیروی ایرانی یا تجهیزات نظامی به‌سختی امکان‌پذیر شود.

■ **امید به نقش جوانان سوری در تغییر معادلات میدانی**
رهبر انقلاب تأکید کردند جوانان غیور سوری قطعاً به پا خواهند خاست: «قطعاً جوانان غیور سوریه با شرایط مساعد و با ایستادگی و حتی دادن تلفات، به این وضع فائق خواهند آمد، همچنان که جوانان غیور عراق پس از اشغال آن به دست آمریکا، با کمک و سازماندهی و فرماندهی شهید عزیز ما توانستند دشمن را از خانه و خیابان‌های خود بیرون کنند، البته این کار در سوریه ممکن است زمان طولانی ببرد اما نتیجه، حتمی و قطعی است» این بیانات نشان می‌دهد ایشان به نقش نیروی انسانی جوان و پرنانگیزه در تغییر شرایط میدانی اعتقاد دارند. از دیدگاه رهبر انقلاب، قدرت تغییر شرایط میدانی در سوریه نه در دست قدرت‌های خارجی، بلکه در دستان جوانان سوری است. این نگاه، مبتنی بر تجربه‌های پیشین در منطقه و همچنین رویکرد کلان جبهه مقاومت در تقویت نیروهای محلی و مردمی برای دفاع از سرزمین‌های خود است. کلیدواژه‌های مهم این فراز بیانات رهبری عبارتند از:

■ **جوانان غیور سوری**: این توصیف نشان‌دهنده نگاه مثبت و روحیه‌بخش رهبر به ظرفیت جوانان سوری است. ■ **ایستادگی و دادن تلفات**: این بخش نشان می‌دهد رهبر انقلاب پذیرش هزینه‌های مبارزه را به عنوان بخشی از مسیر مقاومت معرفی می‌کنند. به عبارت دیگر، پایداری در میدان نبرد، نیازمند تحمل سختی‌ها و پذیرش تلفات است.

■ **عبرت آموزشی از عدم توجه به هشدارها**
رهبر انقلاب در سخنان‌شان به این نکته نیز اشاره کردند که ماجرای هشدارهای بی‌پاسخ به سوریه باید درسی برای مسؤولان و مردم باشد. ایشان هشدار دادند که نباید از دشمن غافل شد و دشمن نباید کوچک شمرده شود. همچنین نباید به لیخنند و ادبیات آرام دشمن اعتماد کرد. این پیام واضح به مسؤولان کشور است که هرگونه غفلت مشابهی در آینده، ممکن است پیامدهای مشابهی داشته باشد. رهبر انقلاب فرمودند: «باید از دشمن غافل شد و آن را حقیر شمرد یا به تبسم او اعتماد کرد، چرا که گاهی با لیخنند و لحن خوش حرف می‌زند اما با خنجر می‌زند در پشت، منتظر فرصتی برای ضربه زدن است».

مقاومت نقشه راه مردمی در منطقه غرب آسیا



یادداشت روز

حمید ملکنزاده*

برای اینکه بتوانیم درک درستی از پدیده‌های سیاسی داشته باشیم باید قبل از هر چیز درک درستی از زمینه‌هایی که به تولید آنها منتهی شده‌اند به دست بیاوریم. همچنین برای به دست آوردن این فهم باید بتوانیم ریشه‌های حقیقی پدیده‌ها را پیدا کنیم. در میان همه پدیده‌هایی که در منطقه غرب آسیا با آنها سر و کار داریم، مقاومت، هم به عنوان یک جبهه فعال در میدان سیاست و هم در مقام یک ایده نیروبخش به ملت‌های منطقه موضوع قابل توجهی است؛ موضوعی که تاریخ معاصر سیاست در غرب آسیا را نمی‌توانیم بدون به دست آوردن فهم روشنی از آن درک کنیم. در عین حال برای اینکه بتوانیم دورنمای سیاسی ممکن در این منطقه را به‌درستی ترسیم کنیم باید این پدیده حاضر اهمیت را جدی بگیریم. دیروز رهبر انقلاب در دیدار جمعی از اقشار مختلف ایرانیان درباره رخدادهای اخیر در کشور سوریه در پاسخ به نگرانی‌هایی که مسائل جاری در این کشور در مقابل جبهه مقاومت قرار داده تأکید کردند «به حول و قوه الهی گستره مقاومت بیش از گذشته تمام منطقه را فراخواهد گرفت». من در این یادداشت کوتاه توضیح خواهم داد چطور ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد مقاومت به طور اجتناب‌ناپذیری به تحقق این ایده منتهی خواهد شد.

■ **مقاومت: نیروی مردمی درون‌زا**
ایده مقاومت در منطقه غرب آسیا را از جهات زیادی می‌توان مورد بررسی قرار داد اما آنچه در این نوشته برای من اهمیت دارد ۲ وجه یا جنبه اساسی دارد: الف - مقاومت نیرویی مردمی در میان ملت‌های منطقه است؛ ب - مقاومت نتیجه زیاده‌خواهی و مداخله مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ در مسائل مربوط به دولت‌های غرب آسیاست.

برای روشن‌تر شدن آنچه در بالا آورد باید این مساله را در نظر بگیریم که ایده مقاومت اصولاً واکنش طبیعی آذهان آحاد ملت‌های منطقه برای تعیین سرنوشت خود است. یعنی باید آن را به‌عنوان نیرویی درون‌زا در هر کدام از ملت‌های منطقه فهمید. از این جهت ایده مقاومت کلایی وارداتی نیست که از جایی بیرون از روندهای طبیعی و تاریخی مردم منطقه به آنها تحمیل شده باشد، بنابراین می‌توانیم اینطور ادعا کنیم که ایده مقاومت در هر کدام از ملت‌های منطقه با پویایی‌های خاص تاریخ آن ملت پیوند خورده و هم‌زمان با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن صورت‌های بگانه و جدیدی پیدا می‌کند، بنابراین می‌توانیم انتظار داشته باشیم سازمان مادی خاصی که در هر کشور ایده مقاومت را نمایندگی می‌کند به عنوان بخشی اجتناب‌ناپذیر از روندهای تحول تاریخی خاص ملت خود از حیاتی پویا و مستمر برخوردار است. اگر اشتراکات تاریخی و همسایگی جغرافیایی این ملت‌ها را به این ایده اولیه اضافه کنیم، آن‌گاه می‌توانیم انتظار داشته باشیم پدیده‌های روانی میان گروه‌های مقاومت جغرافیای غیرمادی گسترده‌ای را برای ظهور نمونه‌های جدید و پویای مقاومت در اختیار ایده مقاومت قرار داده است. از این منظر مقاومت هم از نظر مادی و جغرافیایی و هم از جهت امکانات غیرمادی میدان بزرگی برای ظهور و بروز را در اختیار دارد. این همان چیزی است که فراگیری گستره مقاومت در منطقه غرب آسیا را تضمین می‌کند.

■ **مقاومت به عنوان پاسخ مردمی به تعدی خارجی**

اگر مقاومت ایده درون‌زای مردمی برای راهبری زندگی سیاسی و اجتماعی ملت‌های مستقر در غرب آسیا باشد، حضور و مداخله مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های خارجی در جریان زندگی طبیعی ملت‌های منطقه همان عاملی است که ضرورت تشکیل هسته‌های مقاومت و اجرایی‌کردن ایده مقاومت را در میان این ملت‌ها به وجود آورده است. حضور و دخالت خارجی در جریان طبیعی تاریخ سیاسی ملت‌های منطقه آسیا گاه به صورت سیاسی مداخله مستقیم نظامی یا غیرنظامی از طریق قبضه کردن فضاهای مادی و روانی متعلق به افراد این ملت‌ها اتفاق می‌افتد و گاه به صورت نیابتی و از طریق مستقر شدن دولت‌هایی که اراده قدرت‌های خارجی را علیه اراده ملت‌های منطقه به اجرا در می‌آورند. در هر دو حالت ایده مقاومت واکنشی طبیعی نیست به تعدی نیروهای خارجی یا حکومت‌های نیابتی آنها در جریان طبیعی زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملت‌های منطقه است. از این جهت می‌توانیم انتظار داشته باشیم هر بار این حضور و این شکل از دخالت‌گری خارجی در میان یکی از ملت‌های منطقه ظهور و بروز جدی‌تری داشته باشد، نیروهای قدرتمندتر مقاومت در میان افراد آن ملت شکل می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۸

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پيامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲